

تدوین شکل‌های مقتضی مشارکت جمعی در فرایند تأمین مسکن دائم پس از زلزله احتمالی

مطالعه موردی: منطقه ۳ شهر ساری^۱

عبدالمجید خورشیدیان^۲

استادیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی

دریافت: ۲۶ دی ۱۳۹۷
پذیرش: ۱ تیر ۱۳۹۸
(صفحه ۱۲۶-۱۰۹)

کلیدواژگان: بازسازی، مسکن دائم، اجتماع محلی، مشارکت جمعی، منطقه ۳ ساری.

چکیده

منطقه ۳ شهر ساری، با توجه قرارگیری در پهنه لرزه‌خیز، از یک سو، و آسیب‌پذیری ناشی از فرسودگی بافت، از سوی دیگر، در معرض خطر بالای زمین‌لرزه است. از این رو برنامه‌ریزی برای بازسازی و به‌ویژه تأمین مسکن دائم پس از زلزله احتمالی ضرورت دارد. یکی از مهم‌ترین بخش‌های برنامه مزبور ترغیب مشارکت اجتماع محلی در بازسازی مسکن است که چالش‌های فراوانی در پی دارد. در مقاله حاضر، با توجه به فقدان دستورالعمل‌های راهنما در زمینه چگونگی ایجاد ارتباط میان تلاش‌های بازسازی با مشارکت، شکل‌های مقتضی مشارکت جمعی در تأمین مسکن دائم پس از زلزله در منطقه مذکور بررسی می‌شود. نتایج این تحقیق می‌تواند به تسریع و ارتقای کارایی مشارکت جمعی در بازسازی مسکن در شرایط پیچیده و آشفته پس از وقوع زلزله کمک کند. در این تحقیق، با روش نمونه موردی و با استفاده از ابزار مشاهده و مصاحبه نیمه‌ساختارمند، مضامین اصلی مشارکت جمعی، که از متون تخصصی موضوع برگرفته شده‌اند، در منطقه بررسی می‌شود. انتخاب نمونه‌ها بر اساس نمونه‌گیری هدفمند و تحلیل داده‌ها با استفاده از تحلیل

مضمون صورت گرفته است. نتایج حاصل از مطالعات میدانی پس از اعتبارسنجی از طریق دریافت نظرات متخصصان به روش دلفی، در تعیین شکل‌های مقتضی مشارکت جمعی در بازسازی مسکن دائم در منطقه یادشده استفاده شده است. پس از مجموع بررسی‌ها جلب رضایتمندی ساکنان مهم‌ترین «هدف مشارکت» تعیین گردید و خانوارهای آسیب‌پذیر، سازندگان محلی، و متخصصان محیط مصنوع با عنوان «مشارکت‌کنندگان کلیدی» بازسازی مسکن شناخته شدند. با توجه به هدف یادشده و زمان و ظرفیت مشارکت‌کنندگان، «سطح مقتضی مشارکت» در هریک از مراحل پنج‌گانه بازسازی مسکن تعیین گردید و بر اساس سطوح مزبور «روش‌های مشارکت» شامل جلسات جمعی، مصاحبه‌های انفرادی، و صحبت‌های غیر رسمی برای حصول اهداف مشارکت مناسب شناخته شدند. درنهایت «منابع مورد نیاز» برای مشارکت مؤثر ذی‌نفعان در تأمین مسکن دائم شناسایی و در قالب چهار مقوله اجتماعی، مالی، فنی، و قانونی دسته‌بندی شدند.

مقدمه

در مطالعات بسیاری به نقش مهم مشارکت اجتماع محلی در کارایی اقدامات بازسازی پس از سانحه، به‌ویژه در زمینه تأمین سرپناه و

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری معماری نگارنده است با عنوان تدوین چارچوب تأمین مسکن دائم پس از زلزله احتمالی (مطالعه موردی: منطقه سه شهر ساری) که به راهنمایی دکتر اکبر حاجی‌ابراهیم زرگر و دکتر علیرضا فلاحی شهریورماه ۱۳۹۶ در دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی دفاع شده است.

2. A_Khorshidian@sbu.ac.ir



پرسش‌های پژوهش

۱. هدف مشارکت جمعی در پروژه بازسازی مسکن پس از زلزله احتمالی در منطقه ۳ ساری چیست؟
۲. سطح و روش مقتضی مشارکت در پروژه بازسازی مسکن دائم پس از زلزله احتمالی در شهر ساری چیست؟

مسکن، اشاره شده است. از این رو می‌توان مقوله مشارکت را یکی از کلیدی‌ترین مباحث مطالعات سوانح و بازسازی دانست^۳، به گونه‌ای که در غالب مطالعات بر ضرورت مشارکت در سطوح بالایی چون توانمندسازی و تصمیم‌سازی تأکید شده است؛ اما امروزه مباحث غالباً بر چگونگی انجام مشارکت متمرکز است تا چرایی و ضرورت انجام آن^۴.

تجارب بازسازی در ایران نشان می‌دهد که مشارکت اجتماع محلی غالباً در سطوح پایین و پس از یک مکالمه یک‌طرفه با آسیب‌دیدگان سانحه، به منظور دریافت نیازهای سکونت آنان، به انجام می‌رسد. این امر ناشی از کمبود دستورالعمل‌های راهنما در زمینه چگونگی ایجاد ارتباط میان مشارکت جمعی با تلاش‌های بازسازی پس از سانحه و به تبع آن درک محدود از آن است. در مقاله حاضر، برای پر کردن شکاف مزبور، شکل‌های مقتضی مشارکت جمعی در تأمین مسکن دائم، با تمرکز بر چهار مضمون اصلی مشارکت، شامل هدف و زمینه مشارکت، مشارکت‌کنندگان کلیدی، سطح و روش، و منابع مورد نیاز مشارکت در منطقه مورد مطالعه، بررسی می‌شود.

۱. مشارکت اجتماعی

بررسی نظریه‌های مشارکتی نشان می‌دهد که گونه‌های مختلفی از مشارکت به طور معمول بر اساس نظرات نویسندگان صاحب‌نظر نام‌گذاری شده‌اند؛ اما تنها مسئله مشارکت، نام‌گذاری آن نیست؛ بلکه برنامه‌ریزی مشارکتی با موضوعات و مسائلی مرتبط است که فهم و تحلیل آن‌ها مشکل به نظر می‌رسد. برخی از این مشکلات موضوعاتی چون دستیابی به عرصه برنامه‌ریزی، روشن کردن مشارکت‌کنندگان، و انتخاب روش صحیح مورد استفاده است^۵.

مشارکت در یک تعریف ساده به دخالت مؤثر اعضای یک گروه یا جامعه (یا نمایندگان آن‌ها) در همه فعالیت‌ها و تصمیم‌گیری‌های مرتبط با کل گروه و جامعه اطلاق می‌شود^۶. «مردم»^۷ و «کاربر»^۸ از دیگر واژه‌های مورد بحث در رویکردهای مشارکتی هستند. در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ استفاده از واژه «مردم» در جنبش‌های کمونیستی و نیز جریان‌های استقلال‌طلبانه کشورهای جهان سوم بسیار رایج بود؛ اما رفته‌رفته این موضوع مطرح شد که در موضوعات مشارکتی دخالت همه افراد (یا همان مردم) چندان پذیرفته نمی‌شود و امروزه در ادبیات تخصصی استفاده از واژه مردم موضوعی چندان علمی نیست. به این

3. T.T. Anh, *Developing Disaster Resilient Housing in Vietnam: Challenges and Solutions*, p. 68; A.K. Jha, et al. *Safer Homes, Stronger Communities: A Handbook for Reconstructing after Natural Disasters*, p. 119.
4. T. Bratteteig & I. Wagner, *Disentangling Participation; Power and Decision-Making in Participatory Design*, p. V.

۵. سیدغلامرضا اسلامی و حامد کامل‌نیا، معماری جمعی: از نظریه تا عمل، ص ۱۱.
۶. همان، ص ۱۹.

7. People
8. User

9. Community

۱۰. همان، ص ۲۰.

۱۱. همان جا.

۱۲. همان جا.

13. Community Participation

۱۴. همان، ص ۱۲-۱۳.

15. Pendulum (after Charles Handy's trust-control dilemma)

۱۶. علیرضا فلاحی، *تأملاتی بر رویکردها و مدل‌های بازسازی پس از سانحه*، ص ۵۵.

۱۷. نک:

N.E. Ganapati & S. Ganapati, "Enabling Participatory Planning after Disasters: A Case Study of the World Bank's Housing Reconstruction in Turkey"; C. Davidson, et al, "Truths and Myths about Community Participation in Post-disaster Housing Projects"; DFID, *Shelter after Disaster; Strategies for Transitional Settlement and Reconstruction*.

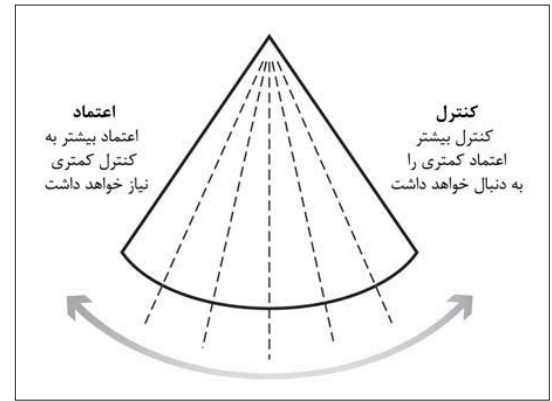
۱۸. علیرضا فلاحی و عبدالمجید خورشیدیان، «ارزیابی میزان رضایتمندی ساکنین از بازسازی مسکن روستایی استان»

ت ۱. مدل پاندول؛ چالش اعتماد-کنترل چارلز هندی، مأخذ: علیرضا فلاحی، *تأملاتی بر رویکردها و مدل‌های بازسازی پس از سانحه*، ص ۵۵.

۱) کشف ترجیحات عمومی، ۲) ارتقای تصمیمات از طریق استفاده از دانش بهره‌برداران، ۳) دستیابی به عدالت و برابری، و ۴) کسب مشروعیت برای تصمیم‌گیری^{۱۹}.

مفهوم مشارکت در زمینه تأمین مسکن پس از سانحه به مثابه مدل یا چارچوبی برای ارتباط و تعامل فعال جامعه در خطر و ذی‌نفعان خارجی به منظور رسیدن به توافق و اتخاذ تصمیمات مطلوب در مورد برنامه‌های آتی و انجام اقدامات در زمینه تأمین مسکن ایمن (همانند انتخاب طرح‌های مسکن و شیوه‌های ساخت) در نظر گرفته می‌شود.^{۲۰} در این زمینه دیدگاه‌های مختلفی نسبت به معنا و مفهوم مشارکت جمعی در ادبیات بازسازی پس از سانحه مطرح است.

جبهه و دیگران یک مدل مفهومی برای تأمین مسکن پس از سانحه پیشنهاد می‌کنند که در آن مشارکت جمعی بخشی از فرایند عرضه شده است؛ اما در زمینه دستورالعمل‌های راهنما برای چگونگی انجام مشارکت در اجرا ضعف دارد.^{۲۱} دیویدسون و دیگران نیز مدلی را برای مشارکت ذی‌نفعان در بازسازی پس از سانحه پیشنهاد می‌کنند که بیانگر نقش‌های اصلی برای ۳ گروه اصلی شامل بهره‌برداران، سازمان‌های غیر دولتی، و دولت است.^{۲۲} در این مدل یک نردبان مفهومی برای طبقه‌بندی سطح مشارکت اجتماع در بازسازی مسکن عرضه شده است^{۲۳} که بر



ترتیب واژه «کاربر» در دهه‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۰ بیشتر استفاده شد. در این سال‌ها لازم بود افرادی در طراحی مشارکتی دخالت داده شوند که به طور مستقیم از نتایج طرح تأثیر می‌پذیرند. نظریه‌پردازان مشارکتی در سال‌های پس از ۱۹۹۰ به واژه «جمعی (اجتماع محلی)»^{۲۴} نظر داشتند. «جمع» به گروهی از مردم دارای علایق مشترک و ساکن در یک محدوده مشخص جغرافیایی اطلاق می‌شود.^{۲۵} مفهوم «جمع» دارای بعد اجتماعی و فضایی است و مردم در یک «اجتماع» برای به دست آوردن چیزهای مشترک گرد هم می‌آیند، حتی اگر تفاوت‌های جدی داشته باشند.^{۲۶}

«مشارکت جمعی»^{۲۷} در طراحی از سوی صاحب‌نظران به گونه‌های مختلفی تعبیر و تشریح شده است. چارلز آبرام مشارکت جمعی را نظریه‌ای تعریف می‌کند که در آن اجتماع بومی نقش فعالی در برنامه‌های محیطی تأثیرگذار بر افراد دارد و جان ترنر معتقد است که مشارکت ضرورتاً به ساخت بنا توسط فرد یا افراد فاقد اعتبار کافی با ابزارهای اندک و مصالح ناچیز اطلاق نمی‌شود، مقوله اساسی کنترل و قدرت تصمیم‌گیری است.^{۲۸} بر این اساس طبق مدل پاندول چالز هندی^{۱۵} (ت ۱) فرایند مشارکت در برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های بازسازی می‌تواند به ایجاد نوعی اعتمادسازی در اجتماع منجر شود و بالعکس، چنانچه مشارکت مردم حاصل نشود، کنترل شدیدتر می‌گردد.^{۱۶}

۱.۱. مشارکت جمعی در بازسازی مسکن پس از سانحه

در مطالعات بسیاری بر اهمیت نقش مشارکت در موفقیت برنامه‌های بازسازی به‌ویژه در دستیابی به نتایج بهتر مسکن پس از سانحه اشاره شده است.^{۲۷} تجارب پیشین نشان می‌دهد که مشارکت یکی از عوامل کلیدی رضایتمندی آسیب‌دیدگان از مسکن تأمین‌شده پس از وقوع سوانح است.^{۱۸} در این زمینه چهار هدف اصلی برای مشارکت جمعی در نظر گرفته می‌شود:

→ لرستان پس از زلزلهٔ فروردین ماه ۸۵»، ص ۱۰۳؛
 E.C. Rand, et al. "Post-tsunami housing resident satisfaction in Aceh", p. 187.
 19. Anh, ibid, p. 42.
 20. Ibid, p. 43.
 21. Jha, et al, ibid, p. 185.
 22. Davidson, et al, ibid, p. 105.
 ۲۳. این مدل برگرفته از نردبان مشارکت آرنتشتاین (۱۹۶۹) است. در مدل آرنتشتاین مشارکت در هشت پله شامل دستکاری، درمان، اطلاع دادن، مشورتخواهی، شرکت، وکالت، و نظارت شهروندی به انجام می‌رسد.
 24. Manipulation
 25. Informing
 26. Consultation

جدول ۱. زمینه‌های مشارکت در برنامه‌های بازسازی، مأخذ: Jha, et al, *Safer Homes, Stronger Communities: A Handbook for Reconstructing after Natural Disasters*, p. 186.

اساس آن پنج سطح مشارکت شامل دستکاری^{۲۴}، آگاه کردن^{۲۵}، مشاوره^{۲۶}، همکاری^{۲۷}، و توانمندسازی^{۲۸} تعریف می‌شود. در این مدل میزان کنترل جامعه از بالا به پایین نردبان کاهش می‌یابد و در قسمت پایین نردبان جامعه کمترین میزان قدرت و کنترل مدیریت بازسازی را دارد. در قسمت فوقانی نردبان توانمندسازی بالاترین سطح مشارکت مشهود است که، به دلیل کنترل کامل ساکنان بر کل فرایند طراحی و اجرا مسکن، احتمالاً بیشترین رضایتمندی ساکنان را به همراه خواهد داشت^{۲۹}. شایان ذکر است که در تفاسیر دیگر این نردبان، از جمله در نظر انجمن بین‌المللی مشارکت^{۳۰}، گزینهٔ دستکاری و درمان از سطوح مشارکت حذف و گزینهٔ شامل شدن^{۳۱} به آن اضافه شده است^{۳۲}.

۲.۱. موضوعات اصلی در رویکردهای مشارکتی

- **هدف مشارکت:** مشارکت با ذی‌نفعان می‌تواند با اهداف متنوعی صورت پذیرد که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد^{۳۳}:
- تحلیل: شناسایی ضعف‌ها و قوت‌های سیاست‌های موجود
- تنظیم اهداف برنامه: تصمیم‌گیری در مورد نیازها و الزامات برنامه
- توسعهٔ راهبرد: تصمیم‌گیری در زمینهٔ اجراء، مسیرها، اولویت‌ها، و مسئولیت‌های سازمانی
- تدوین روش‌ها: توسعه یا پیش‌بینی سیاست‌های پروژه، مشخصات، جزئیات، بودجه، و تکنولوژی

مراحل برنامه	زمینه مشارکت
ارزیابی	ارزیابی مسکن، برآورد نیازهای جامعه، برآوردهای محیطی، نقشه‌برداری نواحی آسیب‌دیده و تغییرات، تحلیل ذی‌نفعان
برنامه‌ریزی و طراحی	اولویت‌بندی و برنامه‌ریزی پروژه‌ها، ارزیابی و برنامه‌ریزی سایت، تعریف معیارهای شناسایی و تأیید اعضای خانوار، آموزش
توسعه و اجرای پروژه	بازسازی مسکن، زیرساخت‌ها، و خدمات عمومی مانند مدرسه و درمانگاه، مدیریت توزیع منابع مالی
پایش و ارزیابی	نظارت بر ساخت، مشارکت در پایش و حساسرسی اجتماعی، ارزیابی‌های مشارکتی

- پایش: ارزیابی اجتماعی یا دیگر شکل‌های پایش هزینه و خروجی پروژه

- **زمینهٔ مشارکت:** وضعیت فرهنگی، مقیاس جغرافیایی، عنوان و اهداف سیاسی، وسعت زمینهٔ عملیاتی، و دسترسی به منابع از مهم‌ترین موضوعات مربوط به زمینهٔ مشارکت است. برنامه‌ریزی در مقیاس‌های جغرافیایی مختلف مانند ناحیه یا محله نیازمند راهبردهای ویژه‌ای است که مشارکت اقشار مختلف را در پی خواهد داشت. همچنین در موضوعات متنوع طراحی و برنامه‌ریزی، در فضاهای عمومی نسبت به فضاهای کوچک‌تر، مانند مسکن، مشارکت افراد مختلف و متفاوت بیشتر است^{۳۴}. زمینه‌های مشارکت در برنامه‌های بازسازی مسکن پس از سانحه در «جدول ۱» خلاصه شده است.

- **مشارکت‌کنندگان:** جامعه شامل اعضا و گروه‌های مختلفی است که اهداف، نگرانی‌ها، و ظرفیت‌های مختلفی دارند. خانوارهای آسیب‌دیده، متخصصان محیط مصنوع، مسئولان محلی، جوامع مدنی، سازندگان، بخش‌های خصوصی و دولتی مهم‌ترین مشارکت‌کنندگان در برنامه‌های بازسازی مسکن پس از سانحه محسوب می‌شوند. گروه‌های مذکور در هر پروژه، برحسب زمینه و اهداف پروژه، متفاوت هستند و ضمناً شرایط و سهم یکسانی در اثرپذیری از پروژه یا اثرگذاری بر آن ندارند. بنابراین ضرورتی ندارد که همهٔ افراد و گروه‌ها در همهٔ مراحل پروژه مشارکت داشته باشند و یا حداقل در سطح یکسانی از مشارکت فعالیت کنند^{۳۵}. در «جدول ۲» مشارکت‌کنندگان محتمل در مراحل مختلف بازسازی مسکن دائم مشاهده می‌شود.

- **زمان مشارکت:** بسیاری از تجارب مشارکتی مؤید این مطلب است که در مراحل گوناگون طراحی مشارکتی نمی‌توان همهٔ گروه‌ها را به طور هم‌زمان درگیر کرد. بنابراین لازم است که در یک پروژهٔ مشارکتی مشخص شود که هریک از گروه‌های کاربر، کارفرما، قانون‌گذار، و متخصص چه زمانی می‌توانند وارد مراحل مختلف برنامه (از شروع تا نگهداری) شوند تا بتوان به

27. Collaboration
 28. Empowerment
 29. Ibid, p. 103.
 30. IAP (International Association for Public Participation)
 31. Involvement
 32. www.iap2.org
 33. Jha, et al, ibid.
 ۳۴. اسلامی و کامل‌نیا، همان، ص ۲۲-۲۴.
 35. Jha, et al, ibid, p.188.
 ۳۶. اسلامی و کامل‌نیا، همان، ص ۲۶.
 37. Jha, et al, ibid, p. 187.
 38. S.R. Arnstein, "A Ladder of Citizen Participation", p. 217.
 39. M. Kornakova, & A. March, "Finding Appropriate Participation in Urban Planning for Reduction of Disaster Risks", p. 5.
 40. Ibid, p. 6.

جدول ۲ (بالا). مشارکت‌کنندگان محتمل در مراحل تأمین مسکن دائم پس از زلزله، مأخذ: Jha, et al, ibid

جدول ۳ (پایین). اهداف و ابزار مشارکت بر اساس سطح آن، مأخذ: Arnstein, "A Ladder of Citizen Participation", p. 217; www.iap2.org

فرایند برنامه‌ریزی است که، بر اساس آن، روش‌ها و راهبردهای مشارکت متفاوت خواهد بود. در این بخش برای تعریف سطح مطلوب مشارکت در تأمین مسکن پس از سانحه، ترکیبی از مدل‌های عرضه‌شده از سوی آرنشتاین و انجمن بین‌المللی مشارکت استفاده شده که خلاصه آن در «جدول ۳» آمده است. مناسب‌ترین سطح و نوع مشارکت به راهبردها، روش‌ها، و اهداف کلی و عملیاتی فرایند برنامه‌ریزی و نیز شرایط فرهنگی جامعه بستگی دارد.^{۳۹} اگرچه به نظر می‌رسد که حالت بهینه واگذاری کنترل برنامه بر جامعه است، این امر نباید منجر به ایجاد یا افزایش خطرپذیری گردد. به بیان دیگر در شرایطی از فرایند برنامه‌ریزی بازسازی که به تصمیمات به‌موقع و از نظر فنی پیچیده نیاز باشد، مشارکت می‌تواند به آگاه‌سازی جامعه از تصمیمات و اثرات ناشی از آن محدود گردد.^{۴۰}

	بهره‌بردار	دولت	پیمانکاران	طراحان
برآورد	✓	✓		
برنامه‌ریزی	✓	✓		
طراحی	✓	✓		✓
توسعه و اجرا	✓		✓	✓
پایش و ارزیابی	✓	✓		

نوع/سطح	هدف	ابزار/روش
اطلاع‌دهی	فراهم کردن اطلاعات کافی برای تسهیل آموزش درباره مشکلات و موضوعات موجود، عموم از گزینه‌های راه حل مطلع می‌گردند	وبسایت، برگه اطلاعات، روزنامه، ایمیل، جلسات جمعی، استماع عمومی، پرسش‌نامه، و تحقیق گروه‌های متمرکز
مشاوره	کانال برای دریافت بازخورد از عموم برای تصمیمات و گزینه‌ها؛ نظر گرفتن از عموم مورد توجه است؛ اما نه لزوماً شامل فرایند تصمیم‌گیری	تامل چهره‌به‌چهره، فرایند محلی، گروه متمرکز، جلسات جمعی و استماع عمومی، تحقیق و پرسش‌نامه
شامل شدن	کار با عموم از طریق فرایند برنامه‌ریزی برای تضمین درک روشن و توجه به دغدغه‌ها و ایده‌های آن‌ها، شامل نظرسنجی در فرایند برنامه‌ریزی و اطلاع‌دهی عموم در مورد تصمیمات	کارگاه‌ها، طوفان فکری، جلسات رفع ابهام، بازی، رأی‌گیری مشورتی
همکاری	ایجاد شراکت با عموم فرایند در تصمیم‌سازی، پیشنهاد مستقیم از سوی عموم برای استفاده در فرایند تصمیم‌سازی تا جای ممکن	کمیته‌های مشورتی، ایجاد توافق، تصمیم‌گیری مشارکتی، کمیته‌های سیاست‌گذاری
توانمندسازی	تصمیم نهایی به عموم واگذار می‌شود	برگه‌های شهروندی، واگذاری تصمیمات، مطالعات برآورد اثرات

نتایج مؤثر حاصل از مشارکت آن‌ها دست یافت.^{۳۶}

منابع مورد نیاز مشارکت: منابع مورد نیاز این موارد هستند:^{۳۷}

آموزش: تقریباً همه روش‌های مشارکت نیازمند آموزش هستند. جوامع برای ایفای نقش مؤثر نیازمند آموزش هستند. این امر برای همه اعضای جامعه به صورت مشابه صورت نمی‌پذیرد.

تسهیلگری: تسهیلگری با آموزش متفاوت است و شامل اقداماتی می‌شود که به جامعه در زمینه سازمان‌دهی مجدد فرایندهای تصمیم‌گیری، توسعه، و اجرای طرح‌ها و دسترسی به منابع و حل اختلافات کمک می‌کند.

بستر سازمانی: بستر می‌تواند مشارکت را تقویت کند و یا مانع آن شود. فرهنگ جامعه، ساختار سازمانی موجود، سازوکارهای قانونی و مقرراتی، دسترسی به اطلاعات، مهارت‌ها، و ظرفیت‌های موجود از مهم‌ترین مؤلفه‌های بستر هستند.

سطح و روش مشارکت: پرسش مهم مطرح در زمینه مشارکت این است که چه سطح و روشی از مشارکت برای یک پروژه خاص مطلوب است؟ همان‌طور که به تفصیل در ادبیات برنامه‌ریزی مشارکتی آمده است، شهروندان می‌توانند در مراحل مختلف فرایند برنامه‌ریزی و با میزان و روش مختلف مشارکت داشته باشند.^{۳۸} این مدل‌ها بیانگر سطح مشارکت شهروندان در

۳.۱. موانع مشارکت در تأمین مسکن دائم پس از سانحه

با توجه به پیچیدگی و مقیاس وسیع برنامه‌های بازسازی مسکن پس از سانحه، یافتن شکل‌های مناسب مشارکت یک چالش مهم برای ذی‌نفعان یا مجریان بازسازی است.^{۴۱} درک نادرست از مشارکت جمعی و روش‌های نامناسب مشاوره با گروه‌های درگیر می‌تواند به کاهش درگیری جوامع درخطر و بنابراین به نتایج ناکارآمد مسکن پس از سانحه منجر شود.^{۴۲} از میان مهم‌ترین چالش‌های مشارکت اجتماع محلی در برنامه‌های بازسازی مسکن پس از سانحه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:^{۴۳}

- استفاده محدود از بازخورد جامعه در برنامه‌ریزی و اجرا،
- وابستگی بیش از حد جوامع که منجر به نتایج نامطلوب از نظر زمان، هزینه، و کیفیت ساخت می‌گردد،
- ظرفیت محدود تسهیلاتگران مشارکت می‌تواند جامعه محلی را از فرایند خارج کند،

- نبود بستر سیاسی که ساکنان بتوانند نظرات مخالف خود را به سیستم‌های اجرایی موجود اعلام کنند.

با مطالعه پروژه‌های مشارکتی بازسازی مسکن در کشورهای در حال توسعه روشن می‌شود که، در صورت درک محدود تسهیلاتگران مشارکت از مفهوم مشارکت و چگونگی استفاده مؤثر از آن، اتخاذ رویکردهای مشارکتی نمی‌تواند منجر به نتایج مطلوب گردد. در این زمینه جیها نیز به نتایج ناخواسته مشارکت همچون ایجاد اختلافات بین گروه‌های درگیر و ایجاد انتظارات غیر واقعی در آسیب‌دیدگان اشاره می‌کند.^{۴۴} در «جدول ۴» چارچوب نظری حاصل از مجموع بررسی‌های متون تخصصی به طور خلاصه درج شده است.

۲. روش تحقیق

در تحقیق حاضر با هدف شناسایی شکل‌های مقتضی مشارکت جمعی در بازسازی مسکن دائم پس از زلزله از رویکرد مطالعه موردی استفاده می‌شود. نمونه مورد مطالعه در این تحقیق منطقه ۳ ساری، با توجه به قرارگیری در پهنه لرزه‌خیز و نیز برخورداری از آسیب‌پذیری مسکن، انتخاب شده است. برای جمع‌آوری داده‌های میدانی از مصاحبه کیفی و مشاهده مشارکتی استفاده شده است. مصاحبه‌های کیفی به صورت نیمه‌ساخت‌یافته^{۴۵} با ۳ گروه از مخاطبین شامل ساکنان محلی و متخصصین و مسئولین بازسازی پس از سانحه به انجام رسیده است. نمونه‌های مخاطبین محلی به صورت هدفمند^{۴۶} و بر اساس گروه‌بندی‌های صورت‌گرفته از نظر سطح درآمد، پایگاه اجتماعی، و الگوی مسکن با هدف مقایسه و هم‌سنجی داده‌ها گزینش شدند و متخصصین و مسئولین شرکت‌کننده در تحقیق با استفاده از روش گلوله برفی^{۴۷} انتخاب گردیدند. در مجموع از ۲۰ مورد از متخصصان و مسئولین و ۵۰ مورد از ساکنان منطقه مصاحبه شد که یک مورد از مصاحبه‌های متخصصان و مسئولین و ۳ مورد از مصاحبه‌های ساکنان محلی به صورت جمعی به انجام رسید. این انتخاب‌ها بر اساس توانایی

41. N.E. Ganapati & S. Ganapati, *ibid*, p. 42.
 42. S. Barakat, *Housing Reconstruction after Conflict and Disaster*, p. 19.
 43. Anh, *ibid*, p. 44.
 44. Jha, et al, *ibid*, p. 189.
 45. Semi-structured Interview
 46. Purposive Sampling
 47. snow balling

جدول ۴. چارچوب نظری تحقیق، طرح و تدوین: نگارنده.

مقولات	اصول	دستورالعمل‌ها
هدف مشارکت	هدف	رضایتمندی، صرفه‌جویی در زمان و هزینه، آموزش و فرهنگ‌سازی، ایجاد احساس مالکیت بر پروژه
	زمینه	برآورد (نیازها، ذی‌نفعان)، برنامه‌ریزی و طراحی، اجرا، مدیریت پروژه، نظارت و ارزیابی
مشارکت‌کنندگان	ذی‌نفعان	سازمان‌های مسئول، خانواده‌ها، سازندگان محلی، متخصصین محیط مصنوع، جوامع مدنی
	ظرفیت‌ها	پیوندهای اجتماعی، سابقه مشارکت، فرهنگ تعاونی، شرایط روحی و روانی، دانش و آگاهی، احساس تعلق
سطح مشارکت	سطح مشارکت	اطلاع‌دهی، مشاوره، شامل شدن، همکاری، توانمندسازی
	روش مشارکت	جلسات جمعی، مصاحبه‌های انفرادی، صحبت‌های غیر رسمی، مشارکت با کنندگان محلی
منابع مورد نیاز	اجتماعی	اعتماد اجتماعی، بازتوانی روحی، سود شخصی، آگاهی
	فنی	دسترسی به اطلاعات، تسهیلات، آموزش
	قانونی	پشتوانه‌های قانونی برای مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی

قیمت زمین در منطقه مزبور، مهاجران از روستاهای جنوب ساری و نیز اقشار کم‌درآمد از دیگر بخش‌های شهر در جست‌وجوی زمین و مسکن ارزان‌قیمت در این منطقه ساکن می‌شوند.^{۵۴}

۳. یافته‌های تحقیق

بر اساس متون تخصصی «تبیین هدف و زمینه مشارکت»، «تبیین مشارکت‌کنندگان»، «سطح و روش مشارکت ذی‌نفعان»، و «منابع مورد نیاز مشارکت» از مهم‌ترین مؤلفه‌های مشارکت جمعی در بازسازی مسکن پس از سانحه هستند که با عنوان «مضامین اصلی تحقیق» در منطقه مورد مطالعه بررسی شده‌اند. در ادامه نتایج حاصل از تحلیل داده‌های کیفی حاصل از مطالعات میدانی در قالب مضامین یادشده عرضه می‌گردد.

۳.۱. هدف و زمینه مشارکت

در تحلیل مصاحبه‌های مسئولین و متخصصان روشن می‌شود که مشارکت ذی‌نفعان در بازسازی مسکن می‌تواند با اهداف متنوعی چون «شناخت نیازها»، «اولویت‌ها و ظرفیت‌های جامعه»، «جلب رضایتمندی»، «دستیابی به عدالت»، «صرفه‌جویی در هزینه و زمان»، «ایجاد احساس مالکیت»، «بازتوانی روحی و روانی»، «آموزش»، و «ارتقای کیفیت برنامه با بهره‌گیری از دانش بهره‌برداران» به انجام برسد.

در بررسی گویه‌های مخاطبین محلی نیز نقش مهم مشارکت در رضایتمندی از مسکن روشن می‌شود. به گونه‌ای که در بررسی‌های میدانی تعداد قابل توجهی از مخاطبین محلی (۱۱ مورد) «کار و زحمت در ساخت خانه» را عامل رضایت، علاقه، و دوست داشتن خانه خود بیان کرده‌اند و حتی در مواردی (۳ مورد) مشارکت در ساخت مسکن را دلیل زیبایی آن دانسته‌اند.^{۵۵}

مشارکت در موارد بسیاری با هدف مشروعیت‌بخشی به تصمیمات سازمانی به انجام می‌رسد. در این شیوه به ذی‌نفعان

افراد در درک از پرسش‌های تحقیق و دادن پاسخ روشن صورت پذیرفت.^{۴۸} بر این اساس پنج محله در منطقه ۳ ساری انتخاب شدند که، علی‌رغم برخورداری از شرایط مشابه اقتصادی و نیز خطرپذیری بالای لرزه‌ای، از منظر قدمت و چگونگی شکل‌گیری محله و به تبع آن بافت اجتماعی- فرهنگی متفاوت هستند. به طور خلاصه انتخاب این پنج نمونه بر اساس ۲ معیار زیر بوده است:

- رابطه با موضوع‌های کلیدی مستخرج از متون تخصصی مرتبط با موضوع،
- بازتاب یک ناحیه وسیع‌تر در زمینه مقولات رایج اجتماعی و زمینه‌ای.

تحلیل کیفی داده‌ها بلافاصله بعد از اتمام چند مصاحبه اول و با استفاده از تحلیل مضمون^{۴۹} به انجام رسیده است. در این روش تحلیل بر اساس مضامین یا ابعادی انجام می‌پذیرد که در ارتباط با مسئله تحقیق از بازبینی ادبیات موضوع استخراج شده‌اند.^{۵۰} این ابعاد در مرحله جمع‌آوری داده‌ها محور پرسش‌های مصاحبه‌ها و در مرحله تحلیل داده‌ها محور انتخاب و کدگذاری پاسخ‌ها بوده‌اند.^{۵۱} بخش دوم تحقیق با هدف سنجش اهمیت اصول پیشنهادی برای مشارکت جمعی و اجرایی بودن آن‌ها در زمینه بازسازی پس از زلزله در شهر ساری انجام شده است. در این خصوص از روش‌های دلفی و تحلیل سلسله‌مراتبی در استخراج نظر خبرگان و چگونگی سازمان‌دهی و تحلیل آن‌ها استفاده شد. تحلیل داده‌ها در این مرحله، با توجه به ماهیت ترتیبی داده‌ها، با استفاده از فراوانی^{۵۲} و مُد^{۵۳} صورت پذیرفته است.

- شناخت محدوده مورد مطالعه: منطقه ۳ در جنوب شهر ساری واقع و جمعیتی معادل ۱۰۲۸۱۰ نفر در آن جای دارند. بافت اجتماعی این منطقه عمدتاً نیمه‌روستایی- نیمه‌شهری است و ساکنان آن غالباً مهاجران اند، و محلات مختلف در این منطقه، علی‌رغم سطح درآمدی پایین، به لحاظ ویژگی مشترک، از نظر منزلت اجتماعی و ویژگی‌های قومی و فرهنگی، متفاوت هستند. به دلیل نازل بودن

48. A. Bryman, *Social Research Methods*, p. 14.

49. thematic analysis

50. N. King, "Template Analysis", p. 256.

51. A. Bryman, *Social Research Methods*, p. 579-580.

52. frequency

53. mode

۵۴. هفت شهر آریا، طرح بهسازی و نوسازی بافت فرسوده ساری، مطالعات سطح یک، ص ۹۰.

۵۵. برخی از گویه‌های ساکنان محلی به این صورت‌ها بوده است: «بلی، چون خودم ساختم، زحمت کشیدم و کار کردم و با دسترنج و محصول ۳۰ساله زندگی‌ام آن را ساختم. حتی بعضی از مواقع از صبح تا شب کار می‌کردم، جدا از خانام لذت می‌برم» (پاسخ‌گوی شماره ۲۶): «همه‌جایش زیبا است، پشت‌بام، آلاچیق، داخل خانه را آن چیزی که خودم می‌خواستم با طراحی خودم درست کردم، با فکر خودم درست کردم و آن چیزی که دوست داشتم ساختم» (پاسخ‌گوی شماره ۲۹).

القا می‌شود که مشارکت کرده‌اند تا تصمیمات از قبل اتخاذ شده را بپذیرند؛ اما هدف مشارکت واقعی باید از سوی جامعه آسیب‌دیده، و نه از سوی سازمان مسئول، تعیین گردد. در این باره هدف اصلی مخاطبین محلی برای مشارکت در تأمین مسکن «صرفه اقتصادی» استنباط شده است و از گویه‌های ساکنان این‌گونه می‌توان برداشت کرد که آنان در صورتی در تأمین مسکن مشارکت خواهند کرد که از این فرایند منتفع گردند.

در کنار هدف، تعیین زمینه مشارکت نیز حایز اهمیت است. در این خصوص، از بررسی مصاحبه‌های مسئولین و متخصصان، زمینه‌های زیر برای مشارکت با اهالی استخراج شده است:

- برنامه‌ریزی بازسازی (تدوین هدف و اولویت‌های بازسازی، زمان‌بندی پروژه)

- مدیریت و تصمیم‌گیری (مدیریت هزینه، کمک‌ها، انتخاب سایت، پیمانکار، تهیه مصالح)

- طراحی مسکن و محله

- اجرای مسکن

- نظارت بر اجرای مسکن و بازسازی محله

از سوی دیگر بررسی مصاحبه ساکنان محلی نیز می‌تواند به شناخت زمینه‌های مشارکت با جامعه در بازسازی مسکن کمک کند. در این زمینه بخش قابل توجهی از مخاطبین محلی اذعان داشته‌اند که در طراحی و اجرای مسکن خود مشارکت داشته‌اند، به گونه‌ای که ۳۹ پاسخ‌گو در انجام کارهای اجرایی مسکن و ۳۳ پاسخ‌گو در طراحی آن مشارکت داشته‌اند. این ویژگی در همه نمونه‌های موردی به شکل مشابه دیده می‌شود و البته در گروه‌های سنی پایین‌تر این موضوع کمرنگ‌تر می‌گردد.

همچنین در بررسی «توانایی تعمیر و نگهداری ساختمان» مشخص می‌شود که بیش از نیمی از مخاطبین در حال حاضر تا حد «زیادی» قادر به این کار هستند؛ اما این موضوع در میان گروه‌های سنی بالاتر و نیز در میان گروه مشاغل کارمندی کمتر است. با این حال گروه‌های مزبور علاقه‌مند به مشارکت در

ساخت مسکن هستند. همچنین، در میان ساکنان مزبور، علاوه بر مشارکت در امور تأمین مسکن، سابقه مشارکت در زمینه امور جمعی محله و خدمات شهری نیز پررنگ است.^{۵۶}

بر اساس مباحث یادشده، برای دستیابی به اهداف مشارکت باید ذی‌نفعان پروژه در زمینه‌های مختلف بازسازی مسکن مشارکت کنند؛ اما اینجا پرسشی مطرح می‌شود که «آیا می‌توان همه ذی‌نفعان را در همه مراحل بازسازی مسکن مشارکت داد؟» و «سطح و روش مشارکت با بهره‌برداران در مراحل مذکور باید چگونه باشد؟» برای پاسخ به پرسش‌های مذکور ابتدا باید مشارکت‌کنندگان اصلی در بازسازی مسکن را شناسایی و سپس، بر اساس ظرفیت‌ها و ضرورت مشارکت آنان، سطح مقتضی مشارکت را تعیین کرد.

۲.۳. مشارکت‌کنندگان

یافته‌های حاصل از مصاحبه‌های میدانی نشان می‌دهد که از میان ذی‌نفعان مختلف پروژه‌های بازسازی مسکن «خانوارها» و «سازندگان محلی» بیشترین نقش را در ساخت‌وساز مسکن دارند. به گونه‌ای که با مشارکت مستقیم و تسهیم اطلاعات با یکدیگر به راه‌حل‌های طراحی و اجرای مسکن می‌رسند.

پس از خانوارها و سازندگان محلی، «متخصصان محیط مصنوع»، شامل مهندسين و معماران، مهم‌ترین گروه مشارکت‌کننده در تأمین مسکن هستند. اگرچه این گروه نقش مهمی در تأمین مسکن ایمن و مطلوب از نظر پاسخ‌گویی به نیازها و انتظارات ساکنان دارند، به دلیل محدودیت‌های اقتصادی خانوارهای محلی، به طور محدود در تأمین مسکن منطقه یادشده مشارکت دارند. از این رو عمدتاً مسکن‌ها بر اساس تجربیات شخصی ساکنان و استادکاران محلی و نیز تأثیرپذیری از الگوی ساخت‌وساز محلی احداث می‌شوند. این در حالی است که بنا بر مصاحبه‌های محلی غالب پاسخ‌گویان (۴۶ مورد) نقش بسیار مهمی برای مهندسين و معماران در

۵۶. پاسخ‌گوی شماره ۲۶ در این باره اذعان داشته است که: «الان کارها به دولت مربوط می‌شود، اما قبلاً همه کارها مثل آب، آسفالت و تعریض و حتی ساخت دبیرستان خودیاری بوده است و جمعی از بچه‌ها بودیم که می‌رفتیم دنبال کارهای عام‌المنفعه. منطقه غفاری ۲۸۰۰ خانوار دارد، آسیب‌پذیری آن زیاد است و ساکنان آن مهاجرین روستایی هستند و همین‌جوری با کوچه‌های ۲-۳ متری ساختند و هیچ‌گونه خدمات شهری نداشتند و ما خودمان دوست داشتیم این کارها را انجام بدهیم. الحمدلله مسئولین هم آمدند و همکاری کردند».

و تعداد زیادی (۲۷ نفر) اذعان داشته‌اند که قادر به انجام کارهای بنّایی، تعمیر، و نگهداری بنا هستند. همچنین غالباً خود اهالی و با همکاری استادکاران (۳۶ مورد) طراحی مسکنشان را انجام داده‌اند و تعداد کمی (۱۱ مورد) از مسکن‌ها را مهندسین طراحی کرده‌اند که بخشی از آنان (۶ مورد) گفته‌اند که نقشه معماری داخلی طراحی مهندس را تغییر داده‌اند. این ویژگی‌های نشان از توانایی ساکنان برای مشارکت در طراحی و اجرای مسکن پس از زلزله دارد که از طریق آموزش و برنامه‌ریزی می‌تواند به افزایش کیفیت و سرعت تأمین مسکن دائم کمک کند.

همچنین سکونت مهاجران روستاهای مجاور هم در منطقه مزبور همسایگی‌ها را با پیوندهای قومی و خویشاوندی همراه کرده است. این موضوع می‌تواند به انسجام اجتماعی و در نتیجه تقویت مشارکت مردم در برنامه بازسازی مسکن کمک کند.^{۵۷} همچنین به شیوه جمعی سکونت در بناهای مسکونی چندواحدی به منزله ظرفیتی برای تقویت مشارکت توجه شده است. این ویژگی به حفظ پیوند اجتماعی و ارتباطات خانوادگی کمک کرده است.^{۵۸}

از دیگر ظرفیت‌های موجود در منطقه «تعلق مکانی» ساکنان است که می‌تواند به ارتقای مشارکت‌پذیری کمک کند. به گونه‌ای که بخش قابل توجهی از ساکنان محلی (۳۶ پاسخ‌گو) اذعان داشته‌اند که به محل زندگی خود احساس تعلق دارند و بیش از نیمی از آنان نیز تمایلی برای نقل مکان به محله‌های دیگر شهر نشان نداده‌اند. مهم‌ترین دلایل برآمده از گویه‌های ساکنان محلی در مورد این شاخص «خاطرات کودکی»، «زندگی غیر مصنوعی»، «امنیت»، «عادت»، «درآمدزایی»، «همسایگی با هم‌محله‌های روستایی»، «قدمت سکونت»، «آرامش»، «خلوتی»، و «آشنا بودن» است.

بر اساس ظرفیت‌های یادشده، در نگاه اول به نظر می‌رسد که سطح بهینه مشارکت شامل اعطای حداکثری اختیار تصمیم‌گیری در بازسازی مسکن به مردم محلی باشد؛ اما این

طراحی و اجرای مسکن قائل هستند. بر اساس تحلیل نظرات متخصصان، مسئولین، و ساکنان محلی می‌توان موانع مشارکت متخصصان محیط مصنوع در منطقه یادشده را در قالب ۳ مورد زیر خلاصه کرد:

- ۱) موانع اقتصادی خانوارهای کم‌درآمد منطقه
 - ۲) بی‌اعتمادی ساکنان محلی به متخصصان
 - ۳) تصورات غلط ساکنان در مورد ایمنی مسکن در برابر زلزله
- از یک سو موانع اقتصادی ساکنان به طور مستقیم بر استفاده از متخصصان محیط مصنوع در طراحی و اجرای مسکن تأثیر می‌گذارد، از سوی دیگر، بی‌اعتمادی به متخصصان، با توجه به ضعف در اجرای مسئولیت‌های قانونی، به کاهش تعامل میان آنان و ساکنان محلی منجر شده است. در نهایت تصورات غلط ساکنان مبنی بر ایمنی مسکن و سیستم‌های رایج ساخت، احساس بی‌نیازی به متخصصان در طراحی و اجرای مسکن را تشدید کرده است.

۳.۳. سطح و روش مشارکت

بر اساس مصاحبه‌های متخصصان و مسئولین «خصلت و ویژگی‌های اجتماعی مردم»، «روحیه مشارکت‌پذیری»، «شدت سانحه و میزان تلفات»، و «تخصص و آگاهی ساکنان در زمینه طراحی و اجرا» مهم‌ترین عوامل مؤثر در تعیین سطح و روش مشارکت در بازسازی مسکن شناخته شده‌اند.

در بررسی ویژگی‌های منطقه مورد مطالعه ظرفیت‌های مشارکت اهالی در برنامه بازسازی مسکن پس از زلزله احتمالی شناسایی شد. ساکنان این منطقه عمدتاً مهاجرین روستایی هستند که همچنان ارتباط با پایگاه روستایی خود را حفظ کرده‌اند. بر این اساس ساکنان مذکور رفتارهای اجتماعی متفاوتی با دیگر مناطق شهر دارند.

همان‌گونه که در بخش پیش اشاره شد، تعداد قابل توجهی از اهالی (۳۹ نفر) تجربه مشارکت در ساخت مسکن فعلی را داشته‌اند

۵۷. در این زمینه یکی از مخاطبین محلی چنین اذعان داشته است: «محله‌های دیگر را دوست ندارم، چون شکل زندگی و ارتباطات اجتماعی و سلام‌علیک برای من مهم است. در آنجا انسان‌ها با هم ارتباط ندارند، ما نمی‌توانیم آنجا زندگی کنیم. من خودم بچه روستا هستم و یک سری تعلقات دارم و دوست دارم فردی را که دیدم به هم سلام کنیم و حال همدیگر را بپرسیم» (پاسخ‌گوی شماره ۲۶).

۵۸. یکی از ساکنان محلی در این باره می‌گوید: «چون پدر و مادرم در این خانه زندگی می‌کنند احساس امنیت می‌کنیم و می‌توانیم در مواقع مشکلات به هم کمک کنیم» (پاسخ‌گوی شماره ۱).

اقدام با محدودیت‌هایی روبه‌رو است. این موضوع در شرایط نیاز به تصمیمات به‌موقع و از نظر فنی پیچیده است و به نظر می‌رسد در این شرایط مشارکت می‌تواند به آگاه‌سازی جامعه (سطح اطلاع‌دهی^{۶۰}) از تصمیمات محدود گردد.^{۶۰}

از موضوعات دیگر محدودکننده مشارکت اجتماع محلی در مقطع پس از وقوع زلزله می‌تواند شرایط روحی و روانی بازماندگان باشد. از نظر متخصصان و مسئولین، غالباً در مقطع سامان‌دهی، با توجه به شرایط روحی و روانی نجات‌یافتگان «استفاده از رویکردهای بالا به پایین» منطقی به نظر می‌رسد و برای مشارکت در سطوح بالاتر باید «زمانی کافی» را برای «بازتوانی روحی» آسیب‌دیدگان در نظر گرفت. بنا بر تحلیل مصاحبه‌های متخصصان «عدم بهره‌گیری از ظرفیت تسهیلگران»، «بهره‌گیری از اعضای خانوار تنها در عملیات اجرایی ساختمان»، «نبود مشارکت متخصصان محیط مصنوع در طراحی و اجرای ساختمان»، «بی‌اعتمادی به مسئولین»، «بی‌اعتمادی به متخصصان»، «ضعیف شدن پیوندهای اجتماعی و نیز فعالیت‌های جمعی»، و «ضعف آگاهی و دانش مردم محلی در مورد مقررات ساخت‌وساز» عوامل دیگر محدودکننده مشارکت در منطقه هستند.

با استناد به متون تخصصی، اگر برای پروژه‌های بازسازی مسکن یک چرخه ۵ مرحله‌ای شامل «برآورد»، «برنامه‌ریزی»، «طراحی»، «اجرا»، «پایش»، و «ارزیابی» ترسیم کنیم، برای مشارکت در بازسازی مسکن نیز می‌توان یک نردبان ۵پله‌ای

سطح مشارکت	سطح مشارکت متخصصین محیط مصنوع	سطح مشارکت اجتماع محلی
برآورد	توانمندسازی	اطلاع‌دهی و مشاوره
برنامه‌ریزی	همکاری	مشاوره و همکاری
طراحی	همکاری	مشاوره و همکاری
توسعه و اجراء	شامل شدن	همکاری و توانمندسازی
پایش و ارزیابی	شامل شدن	همکاری و توانمندسازی

شامل «اطلاع‌دهی»، «مشاوره»، «شامل شدن»، «همکاری»، و «توانمندسازی» در نظر گرفت. بر اساس تحلیل مصاحبه‌های کیفی، با توجه به دو عامل «زمان مشارکت» و «شرایط روحی و روانی اجتماع محلی» و «توانایی آن‌ها در انجام امور بازسازی»، می‌توان نتیجه گرفت که اگرچه سطح توانمندسازی به دلیل کنترل بیشتر بهره‌برداران بر فرایند تأمین مسکن بیشترین احتمال رضایتمندی آنان را به دنبال خواهد داشت، به دلیل محدودیت‌های محلی، همواره مطلوب نخواهد بود. بنابراین در مرحله برآورد متخصصین بیشترین نقش را دارند و مشارکت اجتماع محلی به سطوح اطلاع‌دهی و مشاوره محدود می‌گردد. در ادامه فرایند بازسازی، نقش اجتماع محلی مرحله به مرحله تقویت می‌شود تا به سطح توانمندسازی آن‌ها در انجام امور اجرایی، پایش، و ارزیابی برسد. «جدول ۵» سطح مشارکت دو گروه مزبور را در مراحل پنج‌گانه بازسازی مسکن نشان می‌دهد.

برای انجام مشارکت روش‌های متعددی وجود دارد^{۶۱} که روش مقتضی متناسب با سطح مورد نظر مشارکت انتخاب می‌شود. مصاحبه‌های میدانی با مسئولین شهری نشان می‌دهد که در منطقه مورد مطالعه روش‌های «جلسات جمعی»^{۶۲} و «مصاحبه‌های انفرادی»^{۶۳} در گذشته استفاده شده است. جلسات جمعی با ساکنان منطقه در انجام پروژه‌های شهری مانند تعریض و اصلاح معابر، بهسازی مسیرهای فاضلاب و آبروهای شهری برگزار شده است. اما بنا بر اذعان پاسخ‌گویان محلی این اقدامات در منطقه، به دلیل ماهیت یک‌سویه که برای حصول اهداف سازمانی به انجام می‌رسد، مشارکت و تعامل محسوب نمی‌شود.^{۶۴}

در کنار جلسات جمعی، مصاحبه‌های انفرادی نیز برای دریافت اطلاعات و نیازهای فضایی خانوار صورت می‌پذیرد. بازیگران اصلی در این شیوه مشارکت خانوارهای محلی، متخصصان محیط مصنوع، و سازندگان محلی هستند؛ اما در این روش مشارکت مهندسين تأثیر مناسبی برای تأمین

59. Informing

۶۰ تعدادی از متخصصان اشاره می‌کنند که: «شما نمی‌توانید کل کار را به خودشان بسپارید، اگر می‌توانستند، چیز بهتری از این می‌ساختند» (متخصص شماره ۱۱)؛ «اگر موضوع کاملاً حرفه‌ای و تخصصی باشد، قطعاً با سپردن آن به مردم خروجی کار کیفیت و کارایی لازم را نخواهد داشت» (متخصص ۲۰).
۶۱ برای مطالعه نک:

Jha, et al, ibid, p.188.

62. community meeting

63. seprated interview

۶۴ در این زمینه یکی از ساکنان چنین می‌گوید: «شهرداری می‌خواست برای تعریض خیابان زمین ما را به‌زور بگیرد. به من قول داده بودند که برایم دیوار بسازند که نه دیوار ساختند و نه اجازه دادند در مکانی که تعیین کرده بودیم دیوار اجرا کنیم. با زیان تهدید و از طریق ترساندن زمین‌های مردم را تملک می‌کنند» (پاسخ‌گوی شماره ۲).

جدول ۵. سطح مشارکت متخصصین و اجتماع محلی در هریک از مراحل بازسازی مسکن، تدوین: نگارنده.

۴. ۱. منابع اجتماعی

بنا بر نظر متخصصان و مسئولین، با توجه به خسارات و تلفات گسترده پس از وقوع زلزله، بازتوانی روحی و روانی لازمه ورود به بحث مشارکت با آسیب‌دیدگان است. همچنین از تحلیل مصاحبه‌های آنان می‌توان ۳ عامل «اعتماد»، «صداقت»، و «آگاهی» را مهم‌ترین پیش‌نیازهای مشارکت استنباط کرد. همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، در منطقه مطالعه موردی سطح اعتماد میان ساکنان محلی و متخصصان و مسئولین بالا نیست و این امر می‌تواند مانع مهمی برای مشارکت در بازسازی مسکن پس از زلزله باشد. در صورت ایجاد اعتماد میان مردم و مسئولین و متخصصان «برقراری ارتباط» ممکن می‌گردد (بر اساس مصاحبه‌های متخصصان).

از دیگر منابع اجتماعی لازم برای مشارکت که از تحلیل داده‌های میدانی شناسایی شده است، توجه به «سود شخصی» در کنار سود جمعی است. درحقیقت مردم زمانی در پروژه‌های جمعی شرکت می‌کنند که هزینه انجام آن کمتر از هزینه انجام انفرادی آن باشد. بر این اساس، به عقیده مسئولین در نظر گرفتن مشوق‌هایی برای مشارکت مردم محلی مانند اعطای وام کم‌بهره، کمک‌های بلاعوض، بخشودگی مالیات و عوارض، و اعطای جواز ساخت می‌تواند به ترغیب آنان به مشارکت هم در برنامه‌های کاهش خطرپذیری پیش از زلزله و هم در برنامه‌های بازسازی پس از زلزله کمک کند.

در ادامه بر اساس نظرات متخصصان دو عامل «حس جمعی» و «احساس تعلق موجود» در میان ساکنان منطقه برای میزان مشارکت‌پذیری آنان در برنامه بازسازی مهم شناخته شد. مهاجرت اهالی از پایگاه‌های روستایی مشترک و سکونت در مجاورت یکدیگر از یک سو و شرایط اجتماعی-اقتصادی مشابه از سوی دیگر، به تقویت حس جمعی در میان ساکنان منطقه کمک کرده است. معمولاً این احساس پس از وقوع سانحه، به دلیل ایجاد مشکلات مشترک، تقویت خواهد شد.

مسکن در منطقه نداشته‌اند. به گونه‌ای که تعداد قابل توجهی از ساکنان محلی اذعان داشته‌اند که طراحی و اجرای مسکن بدون مشارکت مهندسین صورت گرفته و اگر هم دخیل بوده‌اند، در عمل نقشه تهیه‌شده را تغییر داده یا آن را اصلاح کرده‌اند. بررسی بیشتر نشان می‌دهد که نقش استادکاران محلی بسیار پررنگ بوده و اعضای خانوار، با توجه به تعامل چهره‌به‌چهره و درگیری طولانی‌مدت با استادکاران، به راحتی می‌توانند نظرات و پیشنهادهای خود را تسهیم کنند.

یکی دیگر از شیوه‌های رایج مشارکت در زمینه تأمین مسکن در منطقه مورد مطالعه «صحبت‌های غیر رسمی» ساکنان محلی با اقشار مختلف مانند همسایگان، آشنایان، و نیز استادکاران محلی است. مالکان در انتخاب مهم‌ترین موارد از قبیل نوع سازه، مصالح ساخت، نوع فضاها، و ناماسازی از همان صحبت‌های غیر رسمی تأثیر می‌پذیرند. این شیوه تعامل برخلاف شیوه‌های جلسات جمعی و مصاحبه‌های انفرادی به صورت مقطعی نیست و در جریان تکمیل تدریجی مسکن ادامه می‌یابد.^{۶۵}

شایان ذکر است که مشارکت با کنندگان یا رهبران جامعه و نیز افراد ذی‌نفوذ در موفقیت برنامه‌های مشارکتی دارای اهمیت است. در منطقه یادشده نیز وجود ریش‌سفیدها و افراد ذی‌نفوذ برای پیشبرد اهداف جمعی مهم ارزیابی شده است.^{۶۶}

۴. منابع مورد نیاز مشارکت

تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌های نیمه‌ساختارمند نشان می‌دهد که مشارکت مؤثر برای بازسازی مسکن دائم نیازمند منابعی چون اعتماد اجتماعی، بازتوانی روانی، توجه به سود شخصی، ارتباط مؤثر، حس جمعی، تسهیلگری، آموزش، ابزار مناسب، دسترسی به اطلاعات، و پشتوانه‌های قانونی در منطقه است. این عوامل در ۳ دسته منابع «اجتماعی»، «فنی»، و «قانونی» قابل دسته‌بندی هستند.

۶۵ در این زمینه یکی از مخاطبین اذعان می‌دارد: «بتنی ساختیم چون دوستان می‌گویند که اگر روزی خواستی بفروشی بتنی را بهتر می‌خرند، در مازندران مردم به اسکلت بتنی بیشتر رغبت دارند» (پاسخ‌گوی شماره ۳۸).

۶۶ در این زمینه گویه‌های تعدادی از مخاطبین محلی به صورت زیر بوده است: «من فردی را می‌شناسم که برشش از شهردار هم بیشتر است، خیلی آدم خیر و بانفوذی است. اگر چیزهایی مثل مسجد و جاده داریم به خاطر آدم‌هایی مثل این‌ها است، اگر این‌ها نباشند هیچ» (پاسخ‌گوی شماره ۲۷)؛ «حاجی ذبیحی هست خدا پدرش را بیامرزد، همه‌کاره محل است» (پاسخ‌گوی شماره ۳۴).

در نهایت «آگاهی» عامل مهم دیگر برای مشارکت واقعی و مؤثر مردم، متخصصان، و مسئولین در بازسازی مسکن شناسایی گردید. آگاهی ساکنان محلی هم در زمینه ابعاد فنی ساخت مسکن، و هم در زمینه مقررات، حقوق و اختیارات خود در ساخت‌وساز در سطح پایینی قرار دارد.^{۶۷}

۲.۴. منابع فنی

همه روش‌های مشارکت نیازمند تسهیلگری و آموزش هستند. تسهیلگری شامل اقداماتی است که به جامعه برای سازمان‌دهی فرایند تصمیم‌سازی، طراحی، و اجرای مسکن کمک می‌کند. به عقیده متخصصان، دولت یا سازمان مسئول بازسازی باید برای آموزش به تسهیلگران و پشتیبانی از ایشان اقدام کند. زیرا ارتباط بین گروه‌های مختلف درگیر در تأمین مسکن از جمله ساکنان و متخصصان نیز نیازمند تسهیلگری است. در این زمینه تعدادی از متخصصین بر این باور هستند که بهره‌گیری از تسهیلگران فاقد تجربه و تخصص کافی است و نیز ایجاد دفاتر تسهیلگری به منظور تأمین اهداف سازمانی منجر به نتایج نامطلوب مشارکت خواهد شد.

آموزش شیوه‌های مناسب مشارکت علاوه بر تسهیلگران باید شامل ساکنان و بخش دولتی و خصوصی باشد. افراد جامعه با توجه به مشارکتی که در نقش مجری یا ناظر ساخت مسکن دارد، باید از طرح‌ها و جزئیات آن نیز درک درستی داشته باشند. بخش دولتی و خصوصی نیز باید از ضعف‌های شکل‌های رایج مشارکت، به دلیل تعامل یک‌سویه و نیز جست‌وجوی اهداف از پیش تعیین شده، آگاه گردند. یکی از متخصصان در این زمینه اذعان می‌دارد:

مردم هر قدر توانمند باشند باز هم نیازمند مشاوره تخصصی هستند. اگر در خیلی از جاها شما از مشارکت محروم هستید، علتش این نیست که مردم از نظر ذاتی علاقه‌مند به مشارکت نیستند؛ بلکه شناخت کافی ندارند ما به نیروهای مشاوره‌ای ذی‌نفوذ نیاز داریم تا با ساختارهای ضمنی و کمابیش پنهان

اجتماعی در این نوع جوامع ارتباط برقرار کنند و حساسیت محیطی آن‌ها را بالا ببرند (متخصص ۱۱).

بر اساس تحلیل مصاحبه‌های مسئولین و متخصصان، علاوه بر آموزش و تسهیلگری، حصول اهداف مشارکت متناسب با سطح و نوع آن نیز نیازمند ابزار مناسب است. بهره‌گیری از ابزارهای بصری در طراحی مشارکتی می‌تواند در موفقیت آن تأثیر بسزایی داشته باشد. ضمناً بهره‌گیری از رسانه‌های جمعی، بخصوص رادیو و تلویزیون، می‌تواند نقش مهمی در آموزش ساکنان محلی به منظور مشارکت در برنامه‌های کاهش خطرپذیری و بازسازی مسکن داشته باشد؛ اما استفاده از این ابزارها در منطقه مورد مطالعه محدود است.

۳.۴. منابع قانونی

بر اساس تحلیل داده‌های میدانی، یکی از دلایل ساخت‌وساز غیر فنی و ناامن در آن منطقه ساری حکمروایی ضعیف سازمان‌های مسئول در مدیریت شهری است. گرچه قوانین و طرح‌های بالادست برای منطقه مزبور تهیه شده است؛ اما تحقق‌پذیری این قوانین از درصد بسیار پایینی برخوردار است. مقررات و قوانین ساخت‌وساز همچنین نیازمند پشتوانه‌های اجرایی و نظارتی برای جلوگیری از فساد و تخلفات از سوی مجریان است. اجرا نکردن قوانین از سوی سازمان‌های مسئول، مانند شهرداری، مردم محلی را نسبت به اجرای مقررات و پیگیری‌شان از حقوق خود بی‌تفاوت و ناامید کرده و این امر بر مشارکت مردم محلی با سازمان‌های مسئول به شدت تأثیر گذاشته است.

لازمه حصول اهداف فوق، دسترسی ذی‌نفعان به اطلاعات صحیح و به‌روز است؛ اما، طبق بررسی‌های میدانی، مردم محلی از دسترسی به اطلاعات پایه‌ای، مانند مقررات طرح جامع و تفصیلی، محروم هستند. بنابراین نظارت‌های غیر رسمی برای کنترل ساخت‌وساز بسیار تضعیف شده است.^{۶۸}

بر اساس نظر متخصصان، با توجه به فقدان پشتوانه‌های

۶۷ در این زمینه تعدادی از متخصصان معتقد هستند: «ما می‌ترسیم که به مردم آگاهی بدهیم. اما آگاهی، درک مسئله، و تبدیل کردن مسئله به دغدغه عمومی بر مشارکت مقدم است» (متخصص شماره ۴)؛ «مشارکت مردم در پیشبرد طرح مؤثر است. ولی باید آموزش و آگاهی کافی به مردم داده شود و منافع مشارکت برای آن‌ها روشن شود» (متخصص ۲۰).

۶۸ «مردم آگاهی لازم را به ضوابط و مقررات طرح‌های تفصیلی ندارند. یعنی نمی‌دانند در کوچه‌ای که زندگی می‌کنند، طرح تفصیلی چندطبقه را مجاز می‌داند. اگر این را بدانند می‌توانند خودشان جلوی تخلفات را بگیرند؛ اما در مدیریت شهری ما این اطلاع‌رسانی را نمی‌کنند. زیرا فکر می‌کند که کسانی می‌توانند از این قضیه سود ببرند» (متخصص شماره ۲۰).

جدول ۶ (صفحه روبرو).
اصول و دستورالعمل‌های مشارکت اجتماع محلی در بازسازی پس از زلزله در شهر ساری، طرح و تدوین: نگارنده.

روشن می‌کند که غالب گزاره‌ها از اهمیت «زیاد» یا «خیلی زیاد» برخوردار هستند. اولویت‌بندی گزاره‌های مزبور نشان می‌دهد که از نظر متخصصان «جلب رضایتمندی آسیب‌دیدگان» مهم‌ترین

قانونی، نمی‌توانیم به مشارکت واقعی مردم در برنامه‌های تأمین مسکن دست یابیم. «چون مشارکت در قانون تعریف و پیش‌بینی نشده است، کسی به مطالبات مردم پاسخ‌گو نیست» (متخصص ۲).

در نهایت تأکید می‌شود که تأمین منابع یادشده در این بخش نیازمند بسترسازی و برنامه‌ریزی پیش از وقوع زلزله است: از الان باید به آن‌ها فکر کنیم، نه موقع زلزله؛ مشارکت کامل و همه‌جانبه باید قبل از زلزله صورت بگیرد؛ قبل از بحران باید نقشه‌های شهرسازی و پلان‌ها را برای همه شهرها داشته باشیم؛ بخش مهمی از استراتژی قبل از وقوع بحران باید این باشد که نهادهایی مسئول مرتباً پلان‌هایشان را بازدید و کنترل کنند و فکر کنند که خدای‌نکرده فردا صبح در شهر ساری زلزله می‌آید، آماده باشند برای اینکه در ساری مسکن بسازند. این استراتژی قبل از بحران، حین بحران، و بعد از بحران باید برگردد به قبل از بحران (متخصص ۴).

از مجموع تحلیل مصاحبه‌های ساکنان، متخصصان، و مسئولین، اصول و دستورالعمل‌های مربوط به چهار مقوله اصلی مشارکت جمعی در بازسازی مسکن استنباط و تناقضات و چالش‌های پیش رو استخراج گردید. نتایج حاصل از تحلیل‌های کیفی در این بخش از تحقیق در «جدول ۶» مشاهده می‌شود. در بخش دوم تحقیق، دستورالعمل‌های پیشنهادی استنباط‌شده از چارچوب نظری از طریق دریافت بازخورد از متخصصان طی دو مرحله اولویت‌سنجی و اعتباربخشی شد. بدین صورت که یافته‌های حاصل از مرحله نخست ابتدا به صورت پرسش‌نامه با طیف لیکرت تنظیم گردید و اهمیت آن‌ها از نظر «قابلیت اجرایی و مفید بودن» برای بازسازی مسکن دائم در منطقه سنجش شد. در «جدول ۷» نتیجه نظرسنجی از متخصصان در زمینه اهمیت دستورالعمل‌های مشارکت جمعی در بازسازی مسکن دائم بر اساس میانگین، مد، و فراوانی پاسخ‌ها نشان داده شده است.

بررسی آماری نظرات متخصصین در این مرحله از تحقیق

مضمون	مقوله	اصول	دستورالعمل‌ها	تناقضات و دوراهی‌ها
مشارکت جمعی	هدف و زمینه مشارکت	هدف	<ul style="list-style-type: none"> - ارتقای کیفیت برنامه بازسازی - رضایتمندی و افزایش نرخ پذیرش - صرفه‌جویی در زمان و هزینه - آموزش و فرهنگ‌سازی - ایجاد احساس مالکیت بر پروژه 	<ul style="list-style-type: none"> - اتفاق نظر - بازتوانی روحی از سوی متخصصان، تنوع طرح‌ها و تکمیل پروژه از سوی مسئولین - مورد تأکید قرار گرفت
		زمینه	<ul style="list-style-type: none"> - برآورد (ذی‌نفعان، نیازها) - برنامه‌ریزی و طراحی - طراحی و اجرا - مدیریت پروژه - نظارت و ارزیابی 	<ul style="list-style-type: none"> - مسئولین عمدتاً بر اجرا و متخصصان بر طراحی و نظارت تأکید داشته‌اند
مشارکت کنندگان	مشارکت کنندگان	ذی‌نفعان	<ul style="list-style-type: none"> - سازمان مسئول - خانوارهای محلی - سازندگان محلی - متخصصان محیط مصنوع - جوامع مدنی 	<ul style="list-style-type: none"> - اتفاق نظر
		بازدیدها و موانع	<ul style="list-style-type: none"> - ویژگی‌های اجتماعی - سابقه مشارکت در طراحی و اجرا - موانع مشارکت (فرهنگی ضعیف تعاونی، شرایط روحی و روانی، بی‌اعتمادی، ضعف دانش و آگاهی، ضعف احساس تعلق) 	<ul style="list-style-type: none"> - اتفاق نظر - تنها یکی از مسئولین به فرهنگی ضعیف تعاونی در منطقه اشاره می‌کند
مشارکت	سطح و روش مشارکت	سطح	<ul style="list-style-type: none"> - اطلاع‌دهی - مشاوره - شامل شدن - همکاری - توانمندسازی 	<ul style="list-style-type: none"> - اتفاق نظر بر عدم کارایی سطوح بالای مشارکت در تمامی مراحل
		روش	<ul style="list-style-type: none"> - جلسات جمعی - مصاحبه‌های انفرادی - صحبت‌های غیر رسمی - مشارکت با کنندگان محلی و افراد ذی‌نفع 	<ul style="list-style-type: none"> - اتفاق نظر بین گروه‌ها
منابع موردنیاز	منابع	منابع	<ul style="list-style-type: none"> - اجتماعی (اعتماد، بازتوانی روحی، سود شخصی، ایجاد ارتباط، حس جمعی، آگاهی) - فنی (دسترسی به اطلاعات، ابزار مناسب، تسهیلگری، آموزش) - قانونی (پشتوانه‌های قانونی برای حمایت، مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی) 	<ul style="list-style-type: none"> - اختلاف نظر متخصصان و مسئولین در کارایی تسهیلگری

جدول ۷. سنجش اهمیت دستورالعمل‌های مشارکت جمعی بر اساس مد و میانگین نظر متخصصان، تدوین: نگارنده.

هدف مشارکت است. «صرفه‌جویی در زمان و هزینه»، «آموزش و افزایش آگاهی مردم محلی»، «ارتقای کیفیت برنامه» و «ایجاد حس مالکیت بر پروژه» به‌ترتیب اولویت‌های بعدی هدف مشارکت برحسب اهمیت و قابلیت اجرا در شرایط پس از زلزله هستند.

ردیف	دستورالعمل‌های اجرایی در زمینه مشارکت جمعی	میانگین	مد	پاسخ‌های زیاد و خیلی زیاد
۱	مشارکت با هدف افزایش رضایتمندی ساکنان از مسکن	۴/۴۵	۵	٪۹۰
۲	حمایت‌های روانی و مشاوره برای بازتوانی روانی آسیب‌دیدگان	۴/۴۰	۵	٪۹۵
۳	آگاه کردن ذی‌نفعان و شفافیت نسبت به فرایند بازسازی	۴/۴۰	۵	٪۹۰
۴	ایجاد نفع مستقیم برای اهالی برای مشارکت در بازسازی (هزینه‌فایده اساس مشارکت)	۴/۴۰	۵	٪۸۰
۵	نگرش فعالانه به گروه‌های جمعی در مدیریت بازسازی مسکن پس از زلزله	۴/۳۵	۵	٪۹۰
۶	ایجاد یک پایگاه داده با همکاری ذی‌نفعان با قابلیت دسترسی همه ذی‌نفعان به آن	۴/۳۲	۵	٪۷۹
۷	مشارکت با هدف افزایش آگاهی و آموزش مردم محلی در زمینه دانش فنی ساختمان	۴/۳۰	۵	٪۸۵
۸	مشارکت با اهالی با هدف برنامه‌ریزی بازسازی مسکن (تنظیم اهداف و راهبردها)	۴/۳۰	۵	٪۸۵
۹	مشارکت با هدف شناخت اولویت‌های خانوار آسیب‌دیده	۴/۳۰	۵	٪۸۰
۱۰	ایجاد دفاتر تسهیل‌گری برای مشارکت و شناسایی افرادی که آمادگی مشارکت دارند	۴/۳۰	۵	٪۸۵
۱۱	آموزش و حمایت از سازندگان محلی برای مشارکت مؤثر در بازسازی مسکن	۴/۳۰	۵	٪۸۰
۱۲	استفاده از سطوح مختلف مشارکت در بازسازی مسکن (توانمندسازی در اجرای همکاری در طراحی، و مشاوره در برنامه‌ریزی)	۴/۲۰	۵	٪۸۰
۱۳	استفاده از جلسات عمومی برای توضیح فرایند و برنامه بازسازی مسکن به جامعه	۴/۲۰	۵	٪۷۵
۱۴	مشارکت با اهالی با هدف انجام اقدامات اجرایی و نظارت بر اجرای بازسازی مسکن	۴/۲۰	۵	٪۷۰
۱۵	اهمیت مشارکت مردم محلی در انتخاب سایت جدید در صورت نیاز به جابه‌جایی	۴/۱۵	۵	٪۷۵
۱۶	ایجاد اعتماد با عرضه خدمات به مناطق کم‌درآمد و ایجاد احساس برابری با دیگر مناطق	۴/۱۰	۴	٪۸۰
۱۷	انعطاف‌پذیری در برنامه زمانی بازسازی برای انطباق با شرایط روانی آسیب‌دیدگان	۴/۰۵	۴	٪۸۵
۱۸	الزامات قانونی و تشکیلات منظم برای برنامه‌ریزی مشارکتی	۴/۰۵	۵	٪۷۰
۱۹	حمایت ویژه از اقشار آسیب‌پذیر از جمله زنان و افراد کم‌توان برای مشارکت	۳/۹۵	۴	٪۷۵
۲۰	استفاده از مصاحبه‌های انفرادی برای دریافت اطلاعات خانوار و شکل‌گیری راه حل‌های طراحی و اجرا	۳/۸۹	۴	٪۶۳
۲۱	لزوم مشارکت جامعه محلی در بازسازی زیرساخت‌ها و خدمات عمومی	۳/۸۵	۳	٪۶۰
۲۲	مشارکت در زمینه‌های تخصصی و فنی ساخت به اطلاع‌دهی ساکنان محدود شود	۳/۵۶	۳	٪۴۴

بررسی «زمینه‌های مشارکت» ساکنان محلی در بازسازی لزوم مشارکت آنان در «برآورد»، «برنامه‌ریزی»، «طراحی»، «اجرا»، «مدیریت پروژه» و «نظارت و ارزیابی» بازسازی را می‌رساند؛ لکن سطح مشارکت برحسب ضرورت و ظرفیت ساکنان متغیر است. نظرات متخصصان در این زمینه مبین اولویت مشارکت ساکنان در مراحل «طراحی»، «اجرا»، و «نظارت بر اجرای بازسازی مسکن» است.

در زمینه تعیین «مشارکت‌کنندگان» در پروژه بازسازی مسکن، «خانوارها»، «سازندگان محلی»، و «متخصصان محیط مصنوع» با عنوان «ذی‌نفعان کلیدی در تأمین مسکن ایمن و تاب‌آور» انتخاب شدند. مد و میانگین نظرات متخصصان در این زمینه نشان‌دهنده اهمیت زیاد نقش «گروه‌های اجتماعی»، از جمله جوامع مدنی در بازسازی مسکن پس از زلزله احتمالی در منطقه ۳ ساری است. ضمناً «حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر و کم‌توان» برای مشارکت و «لزوم مشارکت با زنان» با توجه به نقش ویژه آنان در طراحی مسکن تأیید شد.

میانگین و مد آماری نظرات متخصصان در زمینه «سطح مشارکت» نشان‌دهنده اهمیت بهره‌گیری از سطوح مختلف مشارکت در مراحل مختلف بازسازی مسکن است. با توجه به شرایط روحی و روانی بازماندگان در مراحل اولیه پس از سانحه، استفاده از سطوح بالای مشارکت منطقی به نظر نمی‌رسد. به طور مشابه با در نظر گرفتن دانش و ظرفیت ساکنان محلی، سطح مشاوره در برنامه‌ریزی و همکاری در طراحی و توانمندسازی در اجرا برای مشارکت موفق با ساکنان مناسب شناخته شده است. با تعیین سطح مشارکت، روش مقتضی برای انجام آن تعیین می‌شود. بر این اساس دو روش «جلسات جمعی» و «مصاحبه‌های انفرادی» با عنوان روش‌های اصلی مشارکت با ساکنان محلی برای بازسازی مسکن انتخاب شدند. جلسات جمعی برای درک شرایط محلی و انجام توافقات اولیه استفاده می‌شود و روش مصاحبه‌های انفرادی به منظور دریافت اطلاعات در سطح خانوار برای شکل‌دهی به

راه‌حل‌های طراحی انجام می‌پذیرد. مُد اولویت‌سنجی گزاره‌های عرضه‌شده در این زمینه در رده «زیاد» و «خیلی زیاد» قرار گرفته که نشان‌دهنده موافقت غالب متخصصان با پیشنهاد مزبور است. درنهایت نظرسنجی از متخصصان در زمینه منابع مورد نیاز برای مشارکت بیانگر آن است که به ترتیب «بازتوانی روحی و روانی بازماندگان»، «شفافیت و آگاه ساختن ذی‌نفعان نسبت به فرایند بازسازی»، «ایجاد نفع مستقیم برای اهالی»، «تسهیلگری مشارکت»، «آموزش برای ارتقای دانش و مهارت سازندگان»، «افزایش سطح اعتماد میان ذی‌نفعان»، «انعطاف‌پذیری در برنامه زمانی»، و «پشتوانه‌های قانونی و تشکیلاتی منظم برای برنامه‌ریزی مشارکتی» از اهمیت «خیلی زیاد تا زیاد» برای مشارکت اجتماع محلی در بازسازی مسکن در منطقه مورد مطالعه برخوردار هستند. در نوبت سوم دلفی که با هدف تأیید نهایی و اعتباربخشی نتایج تحقیق به انجام رسید، تعدادی از متخصصان با اولویت برخی از دستورالعمل‌های مشارکت موافق نبوده و دلایل زیر را برای مخالفت خویش بیان داشته‌اند:

۵. نتیجه‌گیری

به منظور حصول اهداف پروژه بازسازی مسکن دائم، بهره‌گیری از مشارکت جمعی در مراحل مختلف فرایند بازسازی ضروری شناخته می‌شود. در این خصوص تبیین «هدف و زمینه مشارکت»، «تعیین مشارکت‌کنندگان» در هریک از مراحل چرخه پروژه بازسازی مسکن، «سطح و روش مشارکت» ذی‌نفعان در هر مرحله، و درنهایت «منابع مورد نیاز» برای مشارکت مضامین اصلی این تحقیق استنباط شدند و بر اساس تحلیل داده‌های حاصل از مطالعات میدانی سنجش شدند.

بر اساس تحلیل داده‌های میدانی، اهداف مختلفی برای مشارکت متصور است؛ اما بر اساس اجماع نظرات متخصصان و مسئولین، دستیابی به «رضایتمندی ساکنان» مهم‌ترین هدف مشارکت در بازسازی مسکن در نظر قرار گرفت. در ادامه بر اساس سابقه مشارکت اجتماع محلی در طراحی و اجرای مسکن و نیز الگوی رایج مدیریت ساخت در منطقه، مشارکت جمعی در زمینه‌های مختلف «برنامه‌ریزی»، «طراحی»، «اجرا»، و «نظارت و ارزیابی» ضروری شناخته شدند؛ لیکن برای حصول هدف مشارکت لازم است که مشارکت‌کنندگان مختلف در

راه‌حل‌های طراحی انجام می‌پذیرد. مُد اولویت‌سنجی گزاره‌های عرضه‌شده در این زمینه در رده «زیاد» و «خیلی زیاد» قرار گرفته که نشان‌دهنده موافقت غالب متخصصان با پیشنهاد مزبور است. درنهایت نظرسنجی از متخصصان در زمینه منابع مورد نیاز برای مشارکت بیانگر آن است که به ترتیب «بازتوانی روحی و روانی بازماندگان»، «شفافیت و آگاه ساختن ذی‌نفعان نسبت به فرایند بازسازی»، «ایجاد نفع مستقیم برای اهالی»، «تسهیلگری مشارکت»، «آموزش برای ارتقای دانش و مهارت سازندگان»، «افزایش سطح اعتماد میان ذی‌نفعان»، «انعطاف‌پذیری در برنامه زمانی»، و «پشتوانه‌های قانونی و تشکیلاتی منظم برای برنامه‌ریزی مشارکتی» از اهمیت «خیلی زیاد تا زیاد» برای مشارکت اجتماع محلی در بازسازی مسکن در منطقه مورد مطالعه برخوردار هستند. در نوبت سوم دلفی که با هدف تأیید نهایی و اعتباربخشی نتایج تحقیق به انجام رسید، تعدادی از متخصصان با اولویت برخی از دستورالعمل‌های مشارکت موافق نبوده و دلایل زیر را برای مخالفت خویش بیان داشته‌اند:

۱) متخصص شماره ۲ مشارکت در عملیات اجرایی بازسازی مسکن را برای همه اقشار جامعه آسیب‌دیده مناسب نمی‌داند و می‌گوید: «این سیاست تنها برای افرادی قابل اجرا است که در کارهای ساختمانی مهارت داشته باشند». این در حالی است که متخصص شماره ۴ اذعان می‌دارد: «در تجارب من در تمامی پروژه‌ها، مشارکت موجب بهبود جنبه‌های رضایتمندی، احساس مالکیت، هزینه، و کیفیت شده است».

۲) متخصص شماره ۲۱ موضوع شفافیت را از یک سو، غیرعملی و از سوی دیگر، آن را عاملی برای گسترش سودجویی در میان ساکنان محلی دانسته است.

۳) متخصص شماره ۲۱ ایجاد گروه‌های اجتماعی در مقطع بازسازی پس از زلزله را چندان عملی نمی‌داند و پیشنهاد می‌کند که از رهبران محلی و یا گروه‌های اجتماعی از پیش موجود استفاده شود.

۴) متخصص شماره ۱۵ برگزاری جلسات جمعی بین ذی‌نفعان

هریک از مراحل بازسازی مسکن تعیین و بر اساس ظرفیت‌ها و ضرورت مشارکت آنان، سطح مقتضی مشارکت مشخص شود. در ادامه، از میان «مشارکت‌کنندگان محتمل در برنامه بازسازی»، ۳ گروه شامل «خانوارهای در خطر، سازندگان محلی، و متخصصان محیط مصنوع» با عنوان مشارکت‌کنندگان کلیدی بازسازی مسکن انتخاب شدند. اما یافته‌های حاصل از مصاحبه‌های میدانی نشان می‌دهد که خانوارها و سازندگان محلی بیشترین نقش را در ساخت‌وساز مسکن دارند و با توجه به محدودیت‌های اقتصادی خانوارهای محلی، متخصصان محیط مصنوع نقش پررنگی در این زمینه ندارند. ادامه بررسی‌ها نشان داده است که، مشارکت همه ذی‌نفعان مزبور در مراحل مختلف پروژه بازسازی ضرورت ندارد و یا نیاز به سهم و اثرگذاری یکسان آنان نیست. بر این اساس تعیین «سطح مشارکت» در هر یک از مراحل بازسازی شامل آغاز، برنامه‌ریزی، طراحی، اجرا، نظارت، و ارزیابی ضرورت یافت.

از مصاحبه‌های متخصصان و مسئولین این موارد مهم‌ترین عوامل مؤثر در تعیین سطح و نوع مشارکت در بازسازی مسکن «ویژگی‌های اجتماعی مردم»، «روحیه مشارکت‌پذیری»، «شدت سانحه و میزان تلفات»، «تخصص و آگاهی ساکنان در زمینه طراحی و اجرا» شناخته شدند. بر اساس ظرفیت‌ها و موانع مشارکت در جامعه مورد مطالعه و با توجه به دو عامل «زمان» مشارکت با توجه به شرایط روحی و روانی مشارکت‌کنندگان، و «توانایی» ایشان در انجام امور بازسازی، استفاده از سطوح شناور بازسازی در مراحل مختلف بازسازی پیشنهاد گردید. به

منابع و مأخذ

اسلامی، سیدغلامرضا و حامد کامل‌نیا. معماری جمعی: از نظریه تا عمل، تهران: موسسه انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۱.
خورشیدیان، عبدالمجید. تدوین چارچوب تأمین مسکن دائم پس از زلزله

گونه‌ای که در سه مرحله برآورد سطح مشاوره، برنامه‌ریزی و طراحی سطح همکاری، اجرا و نظارت سطح توانمندسازی مطلوب شناخته شد. بر اساس سطوح مزبور روش‌های «جلسات جمعی» و «مصاحبه‌های انفرادی» برای انجام مشارکت تعیین شدند. جلسات جمعی با مشارکت خانوارهای آسیب‌پذیر، مسئولین دولتی، متخصصان محیط مصنوع، و سازندگان محلی تشکیل شدند و هدف از آن‌ها توافقات کلی حول برنامه، تعیین اهداف پروژه، تعیین گروه‌های هدف، تدوین برنامه زمانی، و تعیین نقش‌ها و مسئولیت‌ها بود. در روش مصاحبه‌های انفرادی، مشارکت‌کنندگان اصلی خانوار آسیب‌پذیر و متخصصان محیط مصنوع بودند و دریافت نیازها، انتظارات، و باورها و عقاید ساکنان در خصوص مسکن و تعیین ظرفیت خانوار در تأمین منابع مورد نیاز بازسازی مسکن از مهم‌ترین اهداف آن به‌شمار می‌آمدند. در کنار دو روش نامبرده، استفاده از روش «صحبت‌های غیر رسمی» میان خانوار و سازندگان محلی نیز، با توجه به رایج بودن آن در شرایط عادی ساخت‌وساز، مفید می‌نمود.

درنهایت به منابع مورد نیاز برای موفقیت مشارکت جمعی در منطقه مورد مطالعه توجه شد. نتایج تحقیق در این زمینه نشان می‌دهد که مشارکت مؤثر برای بازسازی مسکن دائم نیازمند منابعی چون «اعتماد اجتماعی»، «بازتوانی روانی»، «توجه به سود شخصی»، «ارتباط مؤثر»، «حس جمعی»، «تسهیلگری»، «آموزش»، «ابزار مناسب»، «دسترسی به اطلاعات»، و «پشتوانه‌های قانونی» در منطقه است. این عوامل در ۳ دسته منابع اجتماعی، فنی، و قانونی قابل دسته‌بندی هستند.

احتمالی (مطالعه موردی: منطقه سه شهر ساری)، رساله دکتری معماری، استادان راهنما: دکتر اکبر حاجی‌ابراهیم زرگر و دکتر علیرضا فلاحی، تهران: دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی، شهریورماه ۱۳۹۶.

کرسول، جان. پویش کیفی و طرح پژوهش انتخاب از میان پنج رویکرد (روایت پژوهی، پدیدارشناسی، نظریه داده بنیاد، قوم‌نگاری، مطالعه موردی)، ترجمه حسن دانایی‌فرد و حسین کاظمی، تهران: صفار، ۱۳۹۴.

هفت‌شهر آریا. طرح بهسازی و نوسازی بافت فرسوده ساری، مطالعات سطح یک، ساری: شهرداری ساری، ۱۳۹۰.

- Anh, T.T. *Developing Disaster Resilient Housing in Vietnam: Challenges and Solutions*, Hue, Vietnam: Springer, 2016.
- Arnstein, S.R. "A Ladder of Citizen Participation", in *Journal of the American Institute of Planners*, Vol. 35, No. 4 (1969), pp. 216-224.
- Barakat, S. *Housing Reconstruction after Conflict and Disaster, Network Paper Number 43*, London: Humanitarian Practice Network at Overseas Development Institute, 2003.
- Bratteteig, T. & I. Wagner. *Disentangling Participation; Power and Decision-Making in Participatory Design*, Oslo, Norway: Springer, 2014.
- Bryman, A. *Social Research Methods*, Oxford: Oxford University Press, 2012.
- Davidson, C. & C. Johnson & G. Lizarralde & N. Dikmen & A. Sliwinski. "Truths and Myths about Community Participation in Post-disaster Housing Projects", in *Habitat International*, Vol. 31, No. 1 (2007), pp. 100-115.
- DFID. *Shelter after Disaster; Strategies for Transitional Settlement and Reconstruction*, United Nation: Shelter Center, 2010.
- Ganapati, N.E. & Ganapati, S. "Enabling Participatory

فلاحی، علیرضا و عبدالمجید خورشیدیان. «ارزیابی میزان رضایتمندی ساکنین از بازسازی مسکن روستایی استان لرستان پس از زلزله فروردین ماه ۸۵»، در صفحه، ش ۵۷ (تابستان ۱۳۹۱)، ص ۹۵-۱۰۶.

فلاحی، علیرضا. تأملاتی بر رویکردها و مدل‌های بازسازی پس از سانحه، سازمان پیشگیری و مدیریت بحران شهر تهران، ۱۳۹۶.

- Planning after Disasters: a Case Study of the World Bank's Housing Reconstruction in Turkey", in *Journal of the American Planning Association*, Vol. 75, No. 1, (2009), pp. 41-59.
- IAP. *Public Participation Spectrum*, Available at https://cdn.ymaws.com/www.iap2.org/resource/resmgr/foundations_course/IAP2_P2_Spectrum_FINAL.pdf. (Accessed 26 april 2019).
- Jha, A. & J. Barenstein & P. Phelps & D. Pittet & S. Sena. *Safer Homes, Stronger Communities. A Handbook for Reconstruction after Natural Disasters*, Washington DC: The World Bank, 2010.
- King, N. "Template Analysis", in G. Symon and C. Cassell (eds.), *Qualitative Methods and Analysis in Organizational Research*, London: Sage, 1998, pp. 118-134.
- Kornakova, M. & A. March. "Finding Appropriate Participation in Urban Planning for Reduction of Disaster Risks", in *State of Australian Cities*, Sydney: Research Network, 2013.
- Rand, E.C. & S. Hirano & I. Kelman. "Post-tsunami Housing Resident Satisfaction in Aceh", in *International Development Planning Review*, Vol. 33, No. 2. (2011), pp. 187-211.

